سلمان فارسی

سلمان فارسی یا روزبه از صحابه ایرانی مشهور محمد، پیامبر اسلام بود که محمد او را از اهل بیت خواند. او با این که پسر یکی از زمین داران ایران بود، زرتشتی باقی نماند و سال‌ها در پی حقیقت و دین راستین به سرزمین‌های گوناگون سفر کرد که در همین سفرها در سرزمینی به بردگی درآمد و سپس توسط محمد آزاد گشت. سلمان فارسی حکیمی که خرد و دانش‌های ایرانیان و مسیحیان را می‌دانست از مشاوران محمد، از جمله طراح اصلی حفر خندق در جنگ خندق بوده‌است. او در انتهای عمر خود والی مدائن گردید.

زندگی

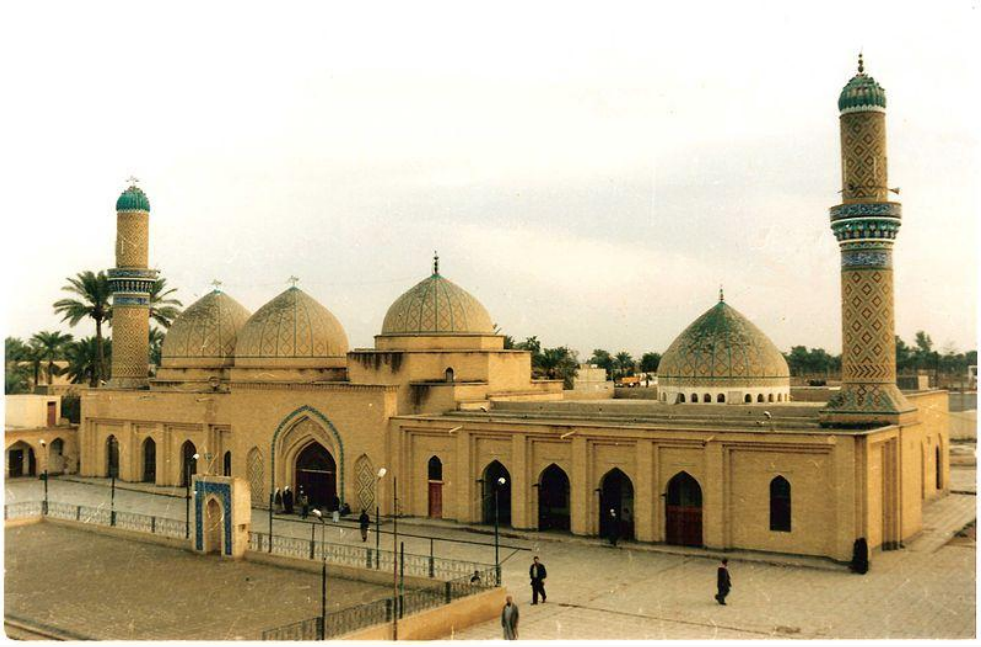
زادگاه و کودکی

سلمان فرزند یک زمین دار ایرانی بود. از شهرهای گوناگونی چون: کازرون فارس، اصفهان ، دشت ارژن استان فارس و رامهرمزخوزستان به عنوان زادگاه سلمان فارسی یاد شده‌است. برخی از محققان او را از خاندانی مزدکی می‌دانند و برخی معتقدند از طبقه برگزیدگان جامعه مانوی بوده‌است.

اندیشه سلمان

حکمت وخرد در ایران از دیرباز وجود داشته و ایرانیان در پیشرفت اندیشه انسانی تاثیر بسیاری داشته اند. سلمان یا روزبه به اعتقاد تمامی فلاسفه ایرانی پیش از هر چیز یک اندیشمند ، خردورز ، حکیم و فیلسوف ایرانی اسلامی می توان دانست.در کتاب نفس الرحمن اثر علامه حاج میرزا حسین نوری طبرسی محدث نوری و اواخر جلد ششم و جلد هشتم کتاب بحارالانوار اثرعلامه مجلسی به زندگی و اندیشه سلمان پرداخته شده است. کسی که در پی حقیقت و کسب علم مرزها را در نوردید و با ادیان و اندیشه های مختلف آشنا شد و در نهایت وقتی از اصحاب محمد شد ، تبدیل به صحابه ای خاص شده بود که تمایزش با دیگر صحابه در اندیشه و خرد بود تا آنجا که محمد در حق او گفت:«(سَلْمانُ مِنّا اَهْلُ الْبَیْتِ) سلمان از مااهل بیت است». و علی درباره او گفته است: «علم اولین و آخرین را فرا گرفت. او دریایی است که هرچند از آن استفاده شود کم نمی گردد، او از ما اهل بیت است».

سلمان ابتدا در ایران با عقاید میترایی آشنا بود و بعد عقاید زرتشتی و سپس عقاید مانوی و بدینگونه با حکمت و خرد ایران باستان آشنا بود. به غرب رفت و با عقاید مسیحی آشنا شد و سالها در آنجا در خدمت کلیسا بود و در کنار آنجا با عقاید یهودی بیشتر اشنا شد. این گونه با اندیشه مسیحی کاملا آشنا بود. در یثرب محمد را دید و با عقاید او اسلام آشنا شد و بر هیچ تاریخ نویسی پوشیده نیست چه میزان با اندیشه اسلامی آشنا بوده. اندیشه سلمان ترکیب است از حکمت ایرانی و اسلامی که تجربه مطالعه و دریافت ادیان و حکمت های دیگر را داشته است و اکثر فلاسفه اسلامی ایران امروز، خود را پیرو مکتب سلمان می دانند. لویی ماسینیون فرانسوی ، آثار منسوب به سلمان را، چهار کتاب معرفی می کند، که از جمله آنها «خبر جاثلیق» است که ۱۰ سند مکتوب را برای ذکر آن آورده است.



مقبره یِ سلمانِ فارسی در شهرکی به نام سلمان پاک، در جنوب شهرِ بغداد، پایتختِ عِراق

ایمان به مانی

سلمان فارسی از طبقه برگزیدگان جامعه مانوی بوده‌است و چون دین مانی را بر دین زرتشتی ترجیح داده بود مجبور به فرار از ایران شد.

ایمان به مسیحیت

او در زمانی که پسری بیش نبود به مسیحیت روی آورد. او سپس برای تحصیل دین به سوریه رفت. ابوریحان بیرونی در «الآثار الباقیه عن القرون الخالیه» می‌نویسد: «انجیل سبعین (بلامس) نام انجیلی است که سلام پسر عبدالله سلام از زبان سلمان فارسی نوشته‌است.» او پس از فوت استادش همراه با کاروانی رهسپار شبه جزیره عربستان شد. چون وعده ظهور پیامبری را شنیده بود. در راه کاروان مورد حمله قرار می‌گیرد و او به اسارت در آمد و مردی یهودی از مدینه او را به بردگی خرید و به یثرب برد.